

روزه

محور اسرائیل – یونان – قبرس جنوبی علیه تر کیه

مهرداد محمدی

■ وقتی که احمد داووداوغلو، وزیر امورخارجه ترکیه بعد از دیدار رسمی در شهر لفقوشای قبرس شمالی اعلام کرد؛ به احتمال زیاد تا قبل از سال ۲۰۱۲ مسایل این کشور با قبرس جنوبی طی برگراری یک رفراندوم حل خواهد شد، پرونده کهنه مناقشات ترکیه و قبرس گشوده شد. این اظهارات داووداوغلو مورد واکنش مقامات قبرس جنوبی قرار گرفت و گفتند که این اظهارات یک تاکتیک سیاسی است. ضمنا خاطرنشان می‌شود در سال ۲۰۰۴ طی برگراری یک رفراندوم در قبرس شمالی، بیش از ۶۵ درصد مردم این بخش از جزیره به طرح کوفی عنان دبیرکل وقت سازمان ملل مبنی بر برقراری یک حکومت فدرال در جزیره رای مثبت دادند. ولی این طرح از سوی قبرس جنوبی مورد استقبال قرار نگرفت. ضمن اینکه قسمت‌شمالی جزیره که با حمایت ترکیه توسط ترک‌ها اداره می‌شود سال‌هاست از سوی جامعه بین‌الملل مورد تحریم است. گفتنی است، پس از سرنگونی دولت سراسقف ماکاریوس، رئیس‌جمهور وقت قبرس، در ۲۰ جولای سال ۱۹۷۴، ترکیه با توجه به موقعیت ترکنشین‌های قبرس شمالی این حق را به خود داد تا با لشکر کشی به شمال جزیره خود را به عنوان تضمین‌کننده حق و حقوق ترکنشین‌ها به دنیا معرفی کند که این عملکرد ترکیه علنا باعث شد جزیره ۹۲۵۱ کیلومتر مربعی به دو قسمت شمالی و جنوبی تقسیم شود.

بخش ترکنشین قبرس در سال ۱۹۸۳ اعلام استقلال کرد و نام خود را جمهوری ترک قبرس شمالی گذاشت و در بین کشورهای جهان فقط جمهوری ترکیه آن را به رسمیت می‌شناسد. اما مساله این است که این پیشنهاد داووداوغلو چرا درست در روزهایی که قرار است ریاست دوره اتحادیه اروپا در سال ۲۰۱۲ به قبرس جنوبی واگذار شود، مطرح می‌شود؟

جواب این سوال را باید در تنش‌های موجود بین ترکیه و اسرائیل دنبال کرد. پس از حمله دومالمردانه نیروهایش به کاروان غزه و کشته شدن ۹ نفر از اتباع ترکیه در آن کشتی و عکس‌العمل شدید رجب طیب اردوغان در اجلاس داووس به اسرائیل و تاکید ترکیه مبنی بر عدزخواهی و پرداخت غرامت به این کشور، این



رژیم سعی کرده با ورود به نقاط ضعف ترکیه که همان تقویت لابی‌های فعال جهت به رسمیت شناختن بحث نسل کشی ارمنه در کنگره آمریکا و تقویت رابطه با کشورهای یونان و قبرس جنوبی است، علیه این کشور فعالیت‌های همه جانبه را شروع کند.

این موضوع یک معضل جدید برای ترکیه به وجود آورده است؛ زیرا رژیم اسرائیل به دنبال انتقام‌گیری از این کشور است و در این راه از هیچ تلاشی صرف‌نظر نخواهد کرد.

رژیم اسرائیل در یک چشش سیاسی به منظور ضربه زدن به ترکیه طی دو سال اخیر سعی کرده روابطش را با کشورهای یونان و قبرس جنوبی در زمینه‌های مختلف از جمله زمینه‌های اقتصادی و سیاسی توسعه دهد.

دیدارهای پی‌درپی مقامات رژیم اسرائیل و قبرس جنوبی و اظهارات کارلو پاپولیاس رئیس‌جمهوری یونان که طی دیدار از تل‌آویو در اوایل ماه جولای گفت؛ «علت تقویت روابط یونان و اسرائیل به دلیل بحران بین ترکیه و اسرائیل است»، بر این مبنا استوار است. رژیم اسرائیل با علم بر اینکه قبرس جنوبی در اواسط نیمه دوم سال ۲۰۱۲ ریاست دوره‌ای اتحادیه اروپا را به عهده خواهد گرفت، سعی دارد روابط اقتصادی و سیاسی‌اش را با کشور یونان هر چه بیشتر تقویت کند و تلاش خواهد کرد در دوران ریاست قبرس جنوبی روابط ترکیه با اتحادیه اروپا را تخریب کند. از سوی دیگر، رژیم اسرائیل ترتیبی خواهد داد تا یونان با همکاری لابی‌های اسرائیل در کنگره آمریکا، ترکیه را در بحث نزادکنشی ارمنه تحت فشار قرار دهد. پس ترکیه در سال ۲۰۱۲ نزد اتحادیه اروپا و آمریکا به مشکلات بسیاری برخورد خواهد کرد و فشارهای زیادی را متحمل خواهد شد. زیرا رژیم اسرائیل سعی خواهد کرد با استفاده از هر دو محور (نسل کشی ارمنه و اتحادیه اروپا)، ترکیه را مورد شائبه‌ناتز قرار دهد. خاطرنشان می‌شود تا وقتی که دولت آمریکا از رژیم اسرائیل به شکلی قاطع و بدون چون و چرا حمایت می‌کند، این رژیم به تاز و تاز خود در همه صحنه‌ها ادامه خواهد داد. باید منتظر ماند و دید که محور جدید اسرائیل-یونان- قبرس در مقابل ترکیه چه ترندهای سیاسی اجرا خواهد کرد و ترکیه در این کش و قوس‌های سیاسی چه دیپلماسی را پیش خواهد گرفت.

نقش هیکل

یک روز در مناطقی به نام السداده نزد معمر قذافی رفتیم. در همان روز بود که احمد ابوالغیط، وزیر امورخارجه مصر و عمر سلیمان، رئیس سازمان اطلاعات این کشور رسیدند تا برای پایان دادن به اختلافات با عربستان میانجی‌گری کنند. قذافی احساساتی شد و به هیأت مصری گفت:شما تابع عربستان هستید و این کشور به شما رشوه می‌دهد. من هم پول دارم و می‌توانم به شما بدهم. از روابط عربستان، مغرب اردن و لبنان به‌خصوص با اهل سنت این کشورها ناراضی بود. از توافقی که عربستان با سوریه برقرار کرده بود و نقشی را که در شورای همکاری خلیج‌فارس داشت او براین باور بود که عربستان نگاهی منفی می‌کرد. هیکل با قذافی اظهار همدردی می‌کرد کما اینکه الان هم همین‌طور است. این همان نمایی است که من آن را سلفی‌گری قومی می‌دانم. بگذارید صریح بگویم. شعارهای وحدت عربی تاکنون جز شکست و فاجعه و دشمنی عقب‌ماندگی برای ما چه داشته است؟ هیکل می‌گفت: عربستان ضد انقلاب لیبی است و آمریکا و انگلیس را تحریک می‌کند که این انقلاب را ساقط کنند.

این کشور از ملک ادريس خواسته بود کوتاه نیاید. حتی در توضیح قیام امروز لیبی هیکل دچار همان اشتباهات می‌شود. می‌گوید قبیله البراعصه که همسر قذافی به آن تعلق دارد، دارای ریشه‌های مصری است. اما این مرد گویی خواب نما شده است. حال آنکه می‌داند البراعصه در منطقه الیضا ساکن هستند و یک قبیله کوچک است که در مصر اثری از آن وجود ندارد. شنیدم داشت یکبار درباره این قبایل و خطر القاعده با قذافی سخن می‌گفت. ۱۰ سال پیش از او خواستیم که ساکت باشد. ای کاش چنین می‌کرد. امروزه از «هاتو» حرف می‌زند و فراموش می‌کند که قلعه‌نامه سازمان ملل به هر حال احتیاج به یک‌اهرم اجرایی داشت. از آن گذشته در کنار ناتو، قطر، امارات، اردن و سایر کشورها هستند. من از او می‌پرسم: چه کسی مصراته را پیش از ورود نیروهای ناتو منهدم کرد. همچنین زلویه را که نبش قبر شد. چه کسی بنغازی را بمباران کرد؟ اگر ناتو در ۱۹ مارس امسال دخالت نکرده بود بنغازی تبدیل به بزرگ‌ترین گور دسته‌جمعی در تاریخ می‌شد.

■ بازگردیم به روابط قذافی. رابطه‌اش با دکتر جورج حبش چگونه بود؟

این درست نیست که گفته شود مساله دین برای قذافی مهم بود. هر چند می‌دانیم که او گاه حتی مسیحیان لبنانی را به اسلام آوردن دعوت می‌کند. جورج حبش سعی می‌کرد فاصله معینی را با قذافی حفظ کند و در این کار موفق هم بود. او در پاک و روراستی بود که هدفی داشت. تملق کسی را نمی‌گفت و طوری رفتار می‌کرد که دیگران به او احترام می‌گذاشتند. دیپلماتی مدح و ثنا و ماچ و بوسه‌ای را که عرفات در پیش گرفته بود به کار نمی‌برد. البته این از شأن عرفات کم نمی‌کند چون او می‌دانست زمانه که ضروری باشد چگونه بگوید «نه». در طول دربار صدام بیروت توسط اسرائیل، وقتی قذافی به رهبران فلسطینی سفارش کرد تنها یک راه دارند و آن خود کشی است نه ننگ، عرفات به صراحت به او گفت: لطفاً تشریف بیاورید تا با با هم خودکشی کنیم!

■ روابط او با ابوالباد (صلاح خلف) عضو کمیته مرکزی جنبش فتح چگونه بود؟

ابوباد در واقع دشنم قذافی بود. در سال ۱۹۸۰ من رئیس خبرگزاری لیبی بودم و دکتر «مفتاح الاسطی عمر» مدیر دفتر قذافی بود. از من خواست مقالهای بنویسم که در آن توضیح دهد صلاح خلف تباری یهودی دارد و تاکید داشت که این مطلب باید فوراً منتشر شود. به او گفتم: این درست نیست چون به زودی ابوباد می‌آید و با قذافی دیدار خواهد داشت. می‌توان نوشت او اشتباه کرده یا حتی خائن بوده است ولی نمی‌توان گفت او یک یهودی‌زاده است. او به هرحال یک مبارز فلسطینی است.

کمی گذشت و دوباره به من تماس گرفت و گفت، رهبری از تو می‌خواهد که همین دستور را اجرا کنی. به مقر رهبری در باب الجزیره رفتم. به الاسطی گفتم می‌خواهد رهبری را ببینم. گفت او را نخواهد گشت. حتی می‌خواهد با تاکت به خبرگزاری حمله کند چون فکر می‌کند که تو آن را تصرف کرده‌ای. نیم ساعتی ماندم. الاسطی خارج شد و دوباره گفت، باید این نوشته حاضر و چاپ شود. آن را نوشتم بدون اینکه درباره ابوباد تصریح شده باشد. گفتم هر که این مطلب را بخواند پی می‌برد که او طرفدار یهودیان است. این مطلب در یک ساعت مرده منتشر شد که روزنامه‌ها خیلی به آن تیرداختند. قذافی این‌طور تسویه‌حساب‌ها را دوست داشت. واقعیت این است که ابوباد شخصیت نیرومندی داشت و با قذافی بسیار برخورد می‌کرد همچنین با عبدالسلام جلود. نظرش را آشکارا می‌گفت و دیگران را به خشم می‌آورد و می‌رفت. او یک دوره ابوباد از مخالفان لیبی حمایت کرد و به بعضی از افراد حتی پاسپورت تقلبی داد.

■ آیا دستگاه‌های اطلاعاتی قذافی در ترور ابوباد در تونس دست داشتند به خصوص اینکه قاتل او برای ابوفضل کار می‌کرد؟

وقتی اطلاعات روشنی نیست، نمی‌خواهم در این‌باره گمانه‌زنی کنم.

■ نظر قذافی درباره حمله عراق به کویت چه بود؟ راستش را بخواهید قذافی از صدام عصبانی بود. با این حال حاضر نمی‌شد با یک بیگانه علیه یک عرب متحد شود. او می‌دانست سرانجام این حمله چه خواهد بود. سخنان خود در کنفرانس سران عرب در دمشق پیرامون اعدام صدام یک حرفی را زد که مهم بود. به رهبران عرب گفت: نوبت شما هم می‌رسد. هنگام حمله عراق به کویت

جهان



مصاحبه «الحیات» با عبدالرحمان شلقم (بخش سوم)

سر هنگ در هزار توی خویش

ترجمه:محمدعلی عسگری

روزنامه شرق بخش دوم این مصاحبه را پنجشنبه هفته گذشته به چاپ رساند. ادامه این مصاحبه بلند را هر سه‌شنبه در همین صفحه بخوانید. در این بخش وزیر خارجه سابق لیبی می‌گوید سازمان اطلاعات لیبی در انفجار کافه لایل برلین (سال ۱۹۸۶) دست داشت. همین انفجار، واکنش آمریکا و حمله به مقر قذافی در باب‌الغزیز به طرابلس را در پی داشت. اما رژیم قذافی در این چارچوب نماند؛ در سال ۱۹۸۸ هواپیمایی بان‌امریکن بر فراز لاکربی را منفجر کرد. اما شلقم می‌گوید تنها لیبی در این حادثه دخالت نداشت و انفجار هواپیمای یوتای فرانسوی به این دلیل صورت گرفت که تصور می‌شد یک فرد مخالف در آن است. وی در این بخش به برنامه هسته‌ای کشورش و به‌خصوص نحوه جمع کردن این برنامه می‌پردازد که خواننده است.

کشته شدند. موسی کوسا به مکان حادثه رفت و حتی بعدا چایی‌ای را هم که راننده خورده بود، آزمایش کردند و معلوم شد که این حادثه عمدی نبوده است. ابراهیم بچاد، دوست البشاری هم که از مکان حادثه بازدید کرده بود، به همین نتیجه رسید. من به روشنی به شما می‌گویم که البشاری در یک حادثه ساختگی کشته شد.

■ از این رو گفته می‌شود ساختگی بود که البشاری نسبت به عملیات امنیتی حساس، اطلاعات زیادی داشت. این درست نیست.

■ آیا البشاری با انفجار لاکربی هم ارتباط داشت؟ نه.

■ اجازه بدهید تا درباره لاکربی حرف بزنیم. داستان آن چه بود؟

در سال ۱۹۸۶ هواپیماهای آمریکایی به منزل قذافی در باب‌الغزیزیه حمله کردند؛ به این بهانه که دستگاه‌های اطلاعاتی قذافی در انفجار کافه‌ای در برلین و حادثه‌ای در فرودگاه رم دست داشته و منجر به مرگ تعدادی آمریکایی شده است. پس از اینها بود که لاکربی به وجود آمد و انگشت اتهام را به سمت لیبی گرفت. آن روزها من سعی کردم این موضوع را از البشاری بفهمم اما چیزی به دست نیاوردم به‌خصوص که بعضی‌ها از نقش برخی کشورها ازجمله نقش سوریه به حرف می‌زدند.

به دلیل این حادثه، لیبی در معرض تحریم‌های شدیدی قرار گرفت. من بر حل این مساله نظرات داشتم و غرامت‌هایی پرداختیم. البته واقعیت این است که ما همه مبلغ را ندادیم، بعد هم سعی کردیم از طریق معاملات نفتی آنها را بدست کنیم. پس از حل این مشکل، خواستار یک تحقیق وارونه شدیم، برادران در رهبری اعلمه می‌گفتند:

برادر عبدالرحمان. این پرونده بسته شده و بهتر است آن را فراموش کنی. هر گاه من پیشنهاد تحقیق می‌دادم همین جواب را می‌گرفتم. البته باید بگویم که انفجار کافه لایل در برلین کار سعيد راشد بود که یک مهندس الکترونیک بود و برای سازمان اطلاعات کار می‌کرد. اسنادی وجود دارد که این مساله را تأیید می‌کند.

■ به کمک چه کسی این عملیات را انجام داد؟ به کمک مزدوران لیبیایی که یکی از آنها هم محکوم شد.

■ هواپیمای یوتادر نجر به چطور؟ آن را سازمان اطلاعات لیبی منفجر کرد. آنها اعتقاد داشتند محمد المقریفی، یکی از رهبران گروه‌های مخالف در متن این هواپیماست اما بعد معلوم شد او نبوده است. اما لاکربی عملیات مرکب و پیچیده‌ای بود. حتی آن روزها گفته می‌شد که چند دولت و سازمان در این عملیات شرکت داشته‌اند. سازمان اطلاعات لیبی هم در این قضیه دست داشت اما به اعتقاد من آن کار تنها ساخته و پرداخته لیبی نبود.

■ چه کسی تصمیم به پرداخت غرامت گرفت؟ تحریم‌هایی وجود داشت که لیبی را تضعیف کرده بود. فردی بود به نام فرحات بن‌قناره که رییس کل بانک مرکزی بود و الان جدا شده و به انقلابیون پیوسته است.

بانکی عربی در بحرین وجود داشت به نام «آی.بی.بی» که او هم عضو شورای اداری آن بود. یک وکیل هم بود به نام کلایندر. وکلای لاکربی هم کمیته‌ای تشکیل داده بودند و کلایندر هم عضو آن بود. بن‌قناره به بحرین رفت و با کلایندر دیدار کرد. بعد یک یادداشت به دفتر معمر قذافی نوشت که به من واگذار کرد و از من خواست با فرحات بن‌قناره موضوع را بررسی کنم. او رفت و بعد همان شد که شورای امنیت قطعنامه صادر کرده و چهار شرط گذاشته بود: اعتراف به مسسولیت، ریشه‌کنی تروریسم، غرامت و سپس تحقیقات. مشاورانی آوردیم و درمورد هر بند کار کردیم و کمیته‌ای به ریاست من و عضویت محمد الزاوی تشکیل شد که آن موقع سفیر ما در لندن بود و الان دبیر کنگره عمومی خلق است همچنین عبدالعاطی العبیدی که معاون من در امور اروپا بود و الان وزیر امور خارجه است. موسی کوسا هم با ما بود. شروع کردیم به بررسی مساله غرامت‌ها و نزد قذافی رفتم. ابتدا من، العبیدی و الزاوی با او با جلسه گذاشتم. بیش از ۵۰ بار با او این نشست‌ها را برگزار کردیم و او نمی‌پذیرفت و کاملار د می‌کرد.

■ قذافی چه می‌گفت؟ می‌گفت ما مظلوم هستیم و نمی‌توانیم غرامت دهیم. آنها هم گفتند. چرا اسرائیلی‌ها می‌کشند و هیچ غرامتی نمی‌دهند و این حرف را همیشه تکرار می‌کرد.

■ می‌گفت رابطه‌ای با این انفجار نداشته است؟ می‌گفت لاکربی ربطی به ما ندارد چرا ما باید غرامت بدهیم. بعد وزیر نفت به نام عبدالله البدری، الان دبیرکل سازمان اوپک است، آمد و به کمک او کمیته‌ای را به ریاست محمد عبدالجواد تشکیل دادیم که یک بازرگان لیبیایی است و با خواهر بشار اسد، رئیس‌جمهور سوریه ازدواج کرده است. اینها رفتند و با کلایندر و چند وکیل آمریکایی درباره مبلغ غرامتی که باید پرداخت، صحبت می‌لانی را گذاشته و هر وقت رفقای حاضر شد مبلغ می‌گذاشتند. آخرین مبلغ غرامتی که باید پرداخت، صحبت دیگری را بگذاریم. گفتم وقتی تحریم‌های آمریکایی برداشته شود، چهارمیلیون دلار می‌دهیم. وقتی تحریم‌های بین‌المللی برداشته شود چهارمیلیون دلار یا هنگامی که نام لیبی از فهرست تروریست حذف شود دومیلیون دلار. درباره هر قربانی هم به طور کلی ۱۰ میلیون دلار تعیین شد.

وی تاکید داشت که این ارز موجود نیست. رفتند و برگشتند و من با آنها جلسه‌ای داشتم. گفتند همه‌چیز عالی پیش می‌رود. پول را در یک بانک در سوئیس گذاشتیم و بعد نامه‌ای برای محکومیت تروریسم تهیه کردیم و با مشاوران بین‌المللی و اساتید در برلین و کتوتگو لحاظ شهودنی دادیم و این عملیات پیروی‌شونده در برابر پیروی‌کننده است. من اعتراف نمی‌کنم که در این راه مسسولیتی داشته‌ام اما اعتراف می‌کنم که مسوولیت کارمندانم توجه من است. مثل این می‌ماند که شما راننده مخصوص خود را برای خرید نان بفروستید و او در راه فردی را زیر بگیرد. به لحاظ جانی شما گناهکار نیستید اما به لحاظ شهودنی باید او را زیر بدارید. ما به لحاظ شهودنی اعتراف کردیم و احساس می‌کنیم این یک دستاورد بسیار مهم بود.

داستان سرطان المقرحی

■ درمورد آزادی عبدالباسط المقرحی آیا درست است که اسناد مربوط به سرطان او تقلبی بود؟ این درست نیست. من با دیوید میلپین، وزیر خارجه بریتانیا صحبت کردم. من دیداری رسمی به واشنگتن داشتم و با یکی از پزشکان لیبیایی که از مشهورترین پزشکان جهان است در این باره مشورت کردم. او سرطان کسندهای دارد و هیچ آمیدی به نجاتش نیست. بنابراین حرف‌های که درباره معامله و فشارها زده می‌شود درست نیست. شما می‌توانید این را می‌دیدید یا با حالت بیماری تحت تأثیر قرار می‌گرفتید او کاملاً فروپاشیده بود و در خلال دو ماه کاملاً از این رو به آن رو شد.

■ الان وضع مزاجی او چگونه است؟ غالباً بی‌پوش و خسته است.

■ به این ترتیب بود که قذافی شروع کرد به میزبانی از میهمانان خارجی‌اش و از تونی بلر استقبال کرد؟

با خیلی‌ها دیدار کرد. هرگارد شش‌رود، تونی بلر، ژاک شیراک و نیکولا سارکوزی و خیلی‌های دیگر به تشویق آمریکا برای دیدار قذافی به صف شدند.

■ دلیل اینها فروش نفت بود؟ نه، برای نفت نبود بلکه به دلیل اثبات این نکته بود که نشان دهد هر کسی باید در وضات و ریاست آمریکا را جلب کند، دنیا هم از او راضی خواهد شد.

این مساله برای تشویق سایر کشورها از جمله ایران و کره‌شمالی و ونزوئلا بود که از لیبی پیروی کنند. برای نخستین بار کشوری در فهرست حامیان تروریسم قرار گرفته و سپس نامش خط می‌خورد. از آن گذشته لیبی از نظر جغرافیایی کشور بااهمیتی بود.

■ کدام یک از مقامات آمریکایی با قذافی دیدار کردند؟

کلانل‌آلرا ریس، دیوید ولش و تعدادی از اعضای کنگره و مجلس نمایندگان آمریکا بعد سارکوزی آمد و بعد بود که قذافی به سفری اروپایی رفت و از کشورهای پرتغال و فرانسه دیدار کرد و در ایتالیا نیز مانند فاتحان از او استقبال شد.

دریاچه

شکاف میان عربستان و آمریکا

رودلف خیملی، ترجمه:محمدعلی فیروزآبادی

■ «ترکی الفیصل» تا قبل از آنکه تبدیل به، روشنفکرترین سفیر ریاض در لندن و واشنگتن شود به مدت ۲۵سال تمام ریاست سرویس امنیت و اطلاعات عربستان را بر عهده داشت حتی پشتیبانی‌های عربستان سعودی از مجاهدین افغان در جنگ علیه روس‌های اشغالگر نیز در حقیقت ابتکار وی بود. شاهزاده ترکی در حال حاضر محتمل‌ترین جانشین احتمالا از پیش تعیین‌شده برای برادر، بیماراش یعنی «سعود الفیصل» به‌شمار می‌رود که از سال‌ها پیش به مسند وزارت امور خارجه عربستان تکیه زده است. ترکی ماه پیش در پایگاه هوایی سلطنتی مولهورت واقع در جنوب انگلستان برای افسران آمریکایی و بریتانیایی سخنرانی کرد و از یک «اکثرین امنیتی سعودی برای دهه پیش‌رو» صحبت به میان آورد. پروژه خرید ۲۰۰ دستگاه تانک لئوپارد از آلمان بخشی از این رویکرد جدید سیاست سعودی به حساب می‌آید. به گزارش برخی خبرگزاری‌ها از جمله خبرگزاری دولتی مسکو، سعودی‌ها از سال ۲۰۰۹ در رابطه با ایجاد تنوع در منابع تأمین تسلیحات خود مذاکراتی را با روسیه در مورد خرید سیستم‌های ضدموشک، خودروهای زره‌پوش و هواپیما و تجهیزات پرواز انجام داده‌اند. با این حال آمریکا همچنان تأمین‌کننده اصلی سلاح برای عربستان باقی می‌ماند. پاییز گذشته بود که ریاض با واشنگتن قراردادی به ارزش ۵میلیارد دلار در مورد خرید هواپیماها و هلی‌کوپترهای جنگی، یک سیستم ضدهوایی و کشتی‌های کوچک جنگی امضا کرد. اما حتی این قرارداد هم نتوانست و نمی‌تواند اعتماد خدشده‌اشده دربار سعودی را به این حامی خود ترمیم کند؛ حامی و متحدی که پشتیبان اصلی عربستان مقابل تهدیدهای خارجی به مانند آنچه در زمان لشکر کشی عراق به کویت روی داده، به‌شمار می‌آید. با وجود آنکه گزارش‌هایی از «خاشنودی» پادشاهی عربستان از مواضع آمریکا در مورد بهار عرب در دست است اما این دو کشور در رابطه با ثبات منطقه، مبارزه با تروریسم و احمای سلاح‌های کشتار جمعی همچنان از منافع مشترکی برخوردارند. ترکی الفیصل در مقاله‌ای که روزنامه واشنگتن‌پست چاپ شد، پیش‌بینی کرده بود که اگر گزارش‌ها مستأمنر برای بی‌آی‌کردن تصمیم فلسطینیان برای اعلام کشور مستقل فلسطینی، تا حق وتو خود در سازمان ملل استفاده کند آنگاه روابط دو کشور شاهد «پیامدهای فاجعه‌بار» خواهد بود. ریچارد کوهن در تفسیر خود از مواضع شاهزاده سعودی در همان روزنامه نوشت: «ترکی و آل سعود عربستان سعودی از دست آمریکا جان‌شود» «بله رسته است». ترکی در آن مقاله با انتقاد از سخنرانی پرزیدنت اوباما در مورد خاورمیانه آن سخنان را «اختلاف‌برانگیز» ارزیابی کرد و علاوه بر آن، اینکه به بنیامین نتانیاهو، نخست‌وزیر اسرائیل این امکان داده می‌شود که در میان تشویق‌های نمایندگان کنگره آمریکا حقوق مسلم فلسطینیان را زیر سوال ببرد، در امری به شدت «ناآرام‌کننده» خوانده بود. از نظر ترکی در صورتی که آمریکا به رفتار فعلی خود ادامه دهد «روابط چند دهه‌ای ما به نقطه حضیی خود می‌رسد، چهره آمریکا در جهان عرب دچار خدشه‌ای ترمیم‌ناپذیری می‌شود، شکاف ایدئولوژیک میان جهان اسلام و غرب ژرف‌تر شده و امکانات برای دوستی و همکاری میان این دو اردوگاه محو و نابود می‌شود.» این شاهزاده سعودی در جای دیگر می‌گوید: «تاریخ اشتباه کسانی را که عقیده دارند آینده فلسطین در دستان آمریکا و اسرائیل است، ثابت خواهد کرد» به باور ترکی، اعراب در سال ۱۹۶۷ به صلح نه گفتند و پاسخ آن را هم گرفتند و حال این اسرائیلی‌ها هستند که نه می‌گویند سپس اضافه می‌کند که مایل نیست بذهان آن باشد که اسرائیل هم جواب این نه را بگیرد. تحلیل‌گران غربی یک نکته از سخنرانی شاهزاده ترکی در آن پایگاه هوایی بریتانیا را مورد توجه قرار دادند. ترکی در آن سخنرانی اعلام کرد که اگر به اندای وی ایرانی‌ها به بمب‌آتمی دست بیاوند آنگاه عربستان نیز چارهای جز ساخت بمب‌آتمی برای خودش ندارد. ملک عبدالله نیز در سال ۲۰۰۸ مشابه چنین سخنانی را بر زبان آورده بود: «هر کشوری در منطقه نباید با ایران فزایی کند» بر پایه برخی گزارش‌ها، سعودی‌ها با کمک‌های مالی پاکستان در پی ساختن بمب اتمی هستند و ۵۰درصد بودجه این طرح را نیز تأمین کرده‌اند و این پروژه چه بسا در آیندماى تقریباً نزدیک عملی شود. چرا که از زیرکی زیادی برخوردار بود. او در مرحله نخست اسرائیل را هدف گرفت و از آنجا به لزوم عاری بودن منطقه خاورمیانه از سلاح‌های اتمی رسید. ترکی ضمن تأکید بر کارایی تحریم‌ها علیه تهران، در سخنانی توهین‌آمیز از ایران به عنوان «ببری کاشفی با پنجه‌هایی پولادین» یاد کرد که به ادعای وی برای بی‌ثبات کردن منطقه در هر کاری مداخله می‌کند. ترکی در عین حال این را هم می‌گوید که ایران در مورد هرگونه دخالت خارجی بسیار حساس است و گفته وی حمله نظامی به تأسیسات ایران «نتیجه عکس» می‌دهد و از قرار معلوم فرماندهان بلندپایه ارتش آمریکانیز در این مورد با ترکی هم‌عقیده هستند. این شاهزاده سعودی سال قبل، حمله نظامی به ایران «افدامی فاجعه‌بار» و استراتژی آمریکادر افغانستان را «راهبردی منحرف‌شده متجسّس در منطقه خاورمیانه استوار است و شاید بتوان سفر اخیر ملک عبدالله، پادشاه اردن به ریاض را نیز متوجه این هدف چارچوب تعریف کرد. از قرار معلوم عبدالله با هدف گفت‌وگو با پادشاه سعودی در مورد موقعیت منطقه خاورمیانه به این کشور رفته بود.

منبع:زوددویچه